



عقد بالای سر حضرت، رسم محبوب مشهدی هاست که دست کم از عهد قاجار رواج دارد

# آغازی دل نشین زیر سایه امام رضا (ع)

۳



رنگ آمیزی: فهیمه فرخی/شهر آرا

## دیوارهای منطقه ثامن نونوار شد

موسوی ۵ هزار متر مربع از دیوارهای منطقه ثامن ظرف دو ماه گذشته رنگ آمیزی شد. به گفته معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ثامن، این پروژه که در دو سطح ۲ و ۳ در دیوارهای بزرگ مقیاس مانند حاشیه بولوار رضوان و بوستان راز فر اجرا شد، از ابتدای فروردین آغاز شد و قبل از پایان اردیبهشت به پایان رسید. محمد واحدی با اشاره به شرایط خاص کشور در اسفند امسال بیان کرد: هر سال در پروژه های استقبال از بهار، بخشی از دیوارهای منطقه رازنگ می کنیم. امسال نیز اعتبار لازم جذب شد اما به دلیل شرایط و لزوم فضای آرایشی با پارچه های سیاه رنگ، این پروژه تا تعطیلات نوروز به تعویق افتاد. وی ادامه داد: در زمینه نقاشی دیواری درجه یک نیز در تقاطع شارستان و طبرسی، اثر ماندگاری از چهره شهید علی لاریجانی در منطقه ماندگار شد.



۲ گلابه کسبه عیدگاه از آلودگی ایجاد شده توسط معتادان و برخی مسافران در ورودی یک کوچه پر رفت و آمد وضعیت اسف بار «سروشی»

۲ مشتری های آرایشگاه دایی جواد خاص هستند  
**سلمانای موسپید کرده ها**

گلایه کسبه عیدگاه از آلودگی ایجاد شده توسط معتادان و برخی مسافران در ورودی یک کوچه پر رفت و آمد

## وضعیت اسف بار «سروشی»

هم قدم

که کوچه و خیابان را تمیز کند. محمد نیازی، یکی دیگر از کسبه عیدگاه، می گوید: اگر دیوارهای این مغازه را رنگ کنند و سروشکل خوبی به این کوچه بدهند، این دست اتفاقات کمتر پیش می آید. چون ناخود آگاه افراد وقتی می بینند جایی ظاهر خوبی ندارد، فکر می کنند متروکه است و ملاحظه مسائل بهداشتی را نمی کنند.

### ● ● چاره، فرهنگ سازی است

رئیس اداره خدمات شهری شهرداری منطقه ثامن با اشاره به اینکه چند چشمه سرویس بهداشتی ۲۴ ساعته در فاصله کمتر از صد متر در پارک انتهایی عیدگاه و همچنین چند چشمه سرویس بهداشتی در بولوار شهدای حج در فاصله دو بیست متری این کوچه قرار دارد، می گوید: بعضی مسائل ریشه فرهنگی دارد و ما نمی توانیم تمام مدت کوچه ها را رصد کنیم. از طرفی رنگ آمیزی و مراقبت مداوم هم نمی تواند تاثیر چندانی داشته باشد.

رحمان اسعدی که به درخواست کسبه چند بار به این محل رفته است، ادامه می دهد: با اینکه وظیفه شهرداری رفت و روپ معابر است، به پاکبان ها گفته ایم این محدوده را به صورت دوره ای شست و شو بدهند تا نکات بهداشتی رعایت شود. او به درخواست مردم از پاکبان ها می خواهد تعداد دفعات شست و شوی معبر را بیشتر کنند.

نمی توانند از کسبه یا رهگذران بپرسند، می آیند اینجا پشت دیوار و آلودگی زیادی ایجاد می کنند.

### ● ● خودمان آلودگی را می شوئیم

سعید موحد که آرایشگاهش در کوچه کنار خوار بار فروشی و مشرف به پشت مغازه و محل آلودگی است، می گوید: شغل ما طوری است که بهداشت و بوی خوب برای جذب مشتری مهم است اما اینجا همیشه صبح ها بوی بدی در هوای پیچد. او آفتابه ای را از گوشه مغازه اش بیرون می آورد و می گوید: صبح به صبح مجبورم کثیفی های کوچه را بشوئیم تا بتوانم مشتری هایم را راضی نگه دارم. این وظیفه شهرداری است

نجمه موسوی یکی از کوچه های پر رفت و آمد پایین خیابان، عیدگاه ۶ را کوچه سروشی است که بازار معروف عباس قلی خان در آن قرار دارد. اما برخی افراد هنگام روشن شدن تاریکی شب سوء استفاده می کنند و موجب ایجاد آلودگی نامطبوعی در این کوچه می شوند. به دنبال تماس مردم با ۱۳۷ و اعلام آلودگی های مکرر در این معبر پر رفت و آمد، راهی عیدگاه شدیم: جایی که هم بوی نامطبوعی که در هوا پیچیده بود و هم نشو و نما عینی، صحبت کسبه این محل را تایید می کرد.

### ● ● گوشه دنج در معبر پر رفت و آمد

درست در ورودی کوچه یک خوار بار فروشی است. محمد زرنگ، کاسبی که با معتادان و مسافران دور از نزاکتی که پشت دیوار این مغازه را با سرویس بهداشتی اشتباه گرفته اند، بارها دعا کرده است، می گوید: در طول روز رفت و آمد زیاد است اما با تاریک شدن هوا اینجا فضای دنجی می شود برای افرادی که دنبال جایی برای قضای حاجت می گردند.

او که با افراد مختلفی سر این موضوع بحث کرده است، ادامه می دهد: اوایل فکر می کردیم فقط معتادان که هیچ قید و بندی ندارند، به اینجا می آیند اما بارها دیده ام مسافرانی از کشورهای دیگر یا شهرهای دور افتاده که نمی دانند سرویس بهداشتی کجاست یا زبان فارسی را به خوبی بلد نیستند و



مشتری های آرایشگاه دایی جواد خاص هستند

## سلمانانی موسپید کرده ها

نجمه موسوی کاهانی ۱۰ ساله که بود، پدرش به رسم همه پدرهایی که پسرشان رامی فرستادند بی یادگیری کسب و کار، دست جواد را گرفت و رفتند به سلمانانی حاجی کاظمی که دکانش او اسط کوچه گنبد خشتی، در راسته حمام حاج نوروز بود. نصف روز مدرسه می رفت و نصف دیگر را در دکان سلمانانی یاد می کرد. این قدر در سلمانانی های مختلف کار کرد تا اینکه خودش استادکار شد و خیلی از بچه محل هاشدند مشتری هایش. با اینکه چند سال شغل آرایشگری را کنار گذاشت و روی تاکسی کار کرد، ده سالی می نشود که دوباره به محله پدری اش در پایین خیابان برگشته و باز آرایشگاه خودش راه انداخته است. آرایشگاه دایی جواد شاید برای جوان های امروزی جذاب نباشد، اما پاتوق موسپید کرده های هم دوره خودش است که بیشتر از صفادان به سرو و پیشان، برای خلق خوش و منصف بودن جواد رفتی خدا پرست، مشتری پرو پا قرصش هستند.

### ● ● پله پله استادکار شدم

در آستانه شصت سالگی هنوز شانه و قیچی به دست می گیرد و رو به آینه به صورت بچه محل هایی که مانند خودش گذر زمان در چهره شان دیده می شود، نگاه می کند تا نتیجه کار را بررسی کند؛ بچه محل هایی که زمانی برای ماشین کردن سرشان پیش او می آمدند و با هم به مدرسه می رفتند: «کلاس چهارم بودم که پدرم دستم را گرفت و برد سلمانانی ای که در راسته حمام حاج نوروز بود تا آنجا دویی کنم و کار یاد بگیرم. آن زمان همه بچه ها باید سرهایشان رامی تراشیدند و اولین کاری که یاد گرفتم، اصلاح کردن سر بانمره

۲ و ۴ بود. ماشین اصلاح هم دستی بود و چلخ و چلخ صدامی داد؛ مثل ماشین های الان برقی نبود که با سرعت کار کند.»  
خنده های ریز ریز دایی جواد نشان می دهد یادآوری خاطرات گذشته برایش شیرین است. جمله ها را با سرعت پشت هم می آورد تا مبادا اتفاقی از قلم بیفتد: «تا کلاس پنجم در مدرسه انوشیروان که این روزها تبدیل به خوابگاه دختران شده است، درس خواندم و بعد که مدارس به خاطر انقلاب تعطیل شد، می رفتیم تظاهرات. در همه آن سال هادر چند آرایشگاه کار کردم تا برای خودم استادکار شدم. مغازه حاجی کاظمی در کوچه گنبد خشتی، آرایشگاه آقای برومند که به «مدترکه» معروف بود و یک شاگرد یادوی دیگر هم به نام غلام یا من آنجا کار می کرد. مدتی هم در آرایشگاه مجلل در چهارراه سیلو کنار دست اکبر آقاسهرابی مشغول بودم. یک جعفر نامی هم بود در آرایشگاه پرستو که شاگردم بود و مراحل اصلاح را به او آموزش می دادم.»

### ● ● کسب روزی از هنر قدیمی

وقتی رفتی مرا حل استاد کار شد نش را یکی یکی می شمارد، هم محله ای های قدیمی می آیند و سلام و خوش و بشی می کنند و نمی گذارند مغازه دایی جواد خالی بماند: «دوران سربازی را در مرز بودم، سمت زاهدان. آنجا هم در آرایشگاه دانشگاه افسران مشغول شدم و از فرمانده گردان تا استاد دانشگاه، سرشان را اصلاح می کردم. سال ۶۵ که سربازی تمام شد، باز برگشتم مغازه حاج آقا کاظمی و این بار برای خودم کار را شروع کردم. سه تاصندلی کار بود؛ یکی استاد و



راه تجربه

یکی مهدی آقاووی صندلی جلو مغازه هم من کار می کردم. بعد رفتیم در خیابان طبرسی، آرایشگاه پرستو، روبه روی حمام حاج حکیم. آن زمان آرایشگاه ها کنار حمام ها بود، چون مردم یک روز را به نظافت و سلمانانی اختصاص می دادند.»

بعد از مدتی آرایشگری را کنار گذاشت و تاکسی داشت، اما بعد از ۲۲ سال دوباره برگشت به همین کار و ده سالی می شود که در محله قدیمی شان با همان هنری که در کودکی آموخته است، اموراتش را می گذراند. او مردم داری را اصل کاسبی می داند و می گوید: فوت و فن کار مهم است، اما خیلی ها برای قیمت مناسب و اخلاق خوب می آیند؛ و گرنه ما که به رسم قدیم اصلاح کردن را یاد گرفته ایم، باب طبع جوان های امروزی به مومدل نمی دهیم. قدیمی های می آیند و سرشان را ساده اصلاح می کنند. من هم روی باز و اخلاق خوب و البته قیمت منصفانه را سرلوحه کارم قرار داده ام. اگر هم کسی سرش را جای دیگر اصلاح کند، گله نمی کنم چون روزی رسان خداست. سرش خیلی شلوغ نیست اما به همین روزی که می رسد، قانع است و بیشتر از اینکه درآمد برایش مهم باشد، دوست دارد همسایه ها بیایند و در مغازه او از احوال هم باخبر شوند.



عقد بالای سر حضرت  
رسم محبوب مشهدی هاست  
که دستکم از عهد قاجار رواج دارد

## آغازی دل نشین زیر سایه امام رضا(ع)

سمیرا شاهیان اظهارشان، اولین نشانه‌ای است که نگاه زائران و مجاوران رابه سمتشان می‌کشد؛ چادرهای تزیین شده با مروارید و منجوق به رنگ‌های کرم، آبی روشن و طوسی که چندسالی است جای چادر سفیدهای عروس را گرفته‌اند. سرو وضع شوق و ورق آقا دامادهای جوان هم نگاه‌ها را جذب می‌کند و دسته گل‌هایی که اتفاقاً بیشتر وقت‌ها برای راحتی عروس خانم، دست آن هاست. مقصد همه نشان، قبل از اینکه زیر سقف مشترک بروند، به سمت رواق شیخ طوسی است.

«عقد بالای سر حضرت» یکی از رسم‌های قدیمی و محبوب شهر مشهد است که قدمت آن به دوره قاجار بازمی‌گردد. در گذشته، فضای اطراف ضریح مطهر امام رضا(ع) خلوت‌تر از امروز بود و خانواده‌ها عروس و داماد رابه قسمت بالای سر ضریح می‌بردند تا خطبه عقدشان در نزدیک‌ترین نقطه به مرقدا امام خوانده شود. همین موضوع باعث شد این مراسم به نام «عقد بالای سر حضرت» شناخته شود و به تدریج به یکی از سنت‌های معنوی مردم مشهد تبدیل گردد.

با افزایش تعداد زائران و شلوغ‌تر شدن حرم، محل برگزاری این مراسم تغییر کرد. ابتدا از زوج‌ها را کنار پنجره فولادی می‌بردند، سپس این مراسم در رواق‌های دارالولایه و دارالحججه انجام شد و از سال ۱۳۹۷ در رواق شیخ طوسی برگزار می‌شود. با وجود این جایه جایی‌ها، نام «عقد بالای سر حضرت» همچنان حفظ شده و این سنت نه تنها میان مشهدی‌ها، بلکه در میان بسیاری از مردم ایران و حتی مسلمانان سایر کشورها، جایگاه ویژه و محبوبی دارد.

در این سال‌ها، رواق شیخ طوسی در مناسبت‌های شاد، حال و هوای دیگری دارد. یکی از این مناسبت‌ها روز ازدواج است که بانام‌های مبارک امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) پیوند خورده است. در این رواق، زندگی‌های مشترک زیادی آغاز می‌شود که اولین صفحه‌شان بانام امام رضا(ع) ورق خورده است. در اینجا هم همیشه صدای دعا و صلوات بلند است. ولی گاهی صدای صلوات بلندتری به گوش می‌رسد: صدایی که خبر از «بله» عروس خانم در گرماگرم تبریک‌ها و بجزوه لبخند‌های دهد.



### سفر خانوادگی برای عقد در حرم

دو خانواده از اصفهان، برای آغاز زندگی فرزندانشان، راهی طولانی را پشت سر گذاشته‌اند تا اولین «بله» ثمره‌های زندگی‌شان را در حرم امام رضا(ع) بشنوند. حنا، اسماعیلی، عروس جوان، بعد از گرفتن عکس‌های خانوادگی در حالی که به سمت صحن انقلاب راه افتاده است، می‌گوید: شروع زندگی پیش امام رضا(ع) آغازی دل‌نشین است. همیشه دلم می‌خواست زندگی‌ام این‌طور شروع شود؛ چون فکر می‌کنم عهد و قرارمان محکم بسته می‌شود.

آقا داماد بیست و یک ساله با لبخند، ماجرای این سفر را تعریف می‌کند: «عروس گفت می‌خواهم برای عقد برویم مشهد و ما هم اطاعت کردیم». جمله‌ای که خنده را روی لب اطرافیان می‌آورد.

محمد رضا سلطانی، پدر داماد، از حس متفاوت این سفر صحبت می‌کند: «ما فقط به نیت همین عقد، همگی از اصفهان راه افتادیم آمدیم مشهد. این اولین ازدواج در خانواده ماست که در حرم برگزار می‌شود. اینجا حال و هوای معنوی خاصی دارد؛ انگار پابست زندگی جوان‌ها اینجا محکم می‌شود.»

پدر عروس، محمد رضا اسماعیلی، هم بین‌نگرانی‌ها و دعاهايش، آرزویی دارد و می‌گوید: امیدوارم زندگی‌شان زیر سایه امام رضا(ع) سرشار از آرامش و عاقبت به خیری باشد و فرزندان صالح و آینده‌آل نصیبشان شود.

بعد از صحبت‌های پدرها، مادر بزرگ داماد، فاطمه سلطانی که پیوند اولین نوه‌اش را دیده است با اشتیاق و لهجه اصفهانی بیان می‌کند: خیلی به دلم چسبید. تا حالا این طوری تجربه نکرده بودم. قلبم شاد شد.

### اصرار برای عقد در جوار امام(ع)

چند قدم آن طرف‌تر، زوج جوان دیگری وارد رواق می‌شوند و به سمت پیشخوانی می‌روند که با گل‌دان‌های زیباترین شده است. می‌خواهند نامشان را اعلام کنند و نوبت بگیرند. مهلا محمدی و همسرش آشنایی‌شان در محیط کار شکل گرفته است. او معمار است و همسرش برنامه‌نویس. مهلا از گره‌هایی می‌گوید که در زندگی‌اش با عنایت امام رضا(ع) باز شده است: «خیلی وقت‌ها از آقا جواب گرفته‌ام. برای همین اصرار داشتم شروع زندگی‌ام زیر سایه ایشان باشد. حتی به آقا گفته بودم اگر حاجتم روا شود، می‌آیم همین جا و در جوار خودتان عقد می‌کنم.»

### از مزار حاج قاسم تا حرم امام رضا(ع)

در بخش دیگری از رواق، مهدیه سالاری همراه پسرش محمد حسین فرخی، منتظر عروس و داماد خانواده‌هایشان نشسته‌اند. مهدیه خانم دختر دایی عروس است و از کرمان آمده‌اند. این خانم که نخستین بار نیست برای چنین مراسمی راهی مشهد شده است، می‌گوید: دفعه قبلی برای عقد پسر خاله‌مان آمدیم و این بار هم توفیق شد برای یکی دیگر از بچه‌های فامیل بیاییم. مهدیه خانم که یک خواهر مجرد هم دارد، با امید می‌گوید: همه آرزو دارند چنین قسمتی نصیبشان شود. امیدوارم برای خواهرم هم دوباره بیاییم حرم.

اودرباره رسم خانواده‌های کرمانی هم می‌گوید: بیشتر خانواده‌هایی که مذهبی هستند، برای عقد دختر و پسرهایشان می‌روند مزار حاج قاسم. آنجا اتاق عقد درست کرده‌اند. گاهی هم به حرم شاهزاده محمد یا گلزار شهدا می‌روند. ولی مشهدیکه دنیای دیگر است، آرامش و لذت خاص خودش را دارد.

او که برای رسیدن به مشهد چهارده ساعت در راه بوده است، اضافه می‌کند: تحمل سختی این راه به دیدن حرم می‌ارزد. به نظرم خانواده‌ها خیلی همت کردند که از کرمان برای عقد آمدند. البته عروس برایمان خیلی عزیز است؛ به همین دلیل ما هم سختی این سفر طولانی رابه جان خریدیم.

### عقد با چاشنی دعای خیر برای دیگران

بین جمعیت زیادی که در رواق شیخ طوسی حضور دارند و خانواده‌هایی که در صف ایستاده‌اند تا نوبت عقد فرزندانشان شود، یاسمن خراسانی و علی سالاری کنار پدر بزرگ و مادر بزرگشان عکس یادگاری می‌گیرند. پدر بزرگ و مادر بزرگ مسن هستند و روی صندلی‌های تاشو نشسته‌اند و عروس و داماد در طرفین این دو بزرگ‌تر ایستاده‌اند و لبخند می‌زنند. یاسمن بیست و دو ساله است و می‌گوید علاقه شخصی‌اش و البته رسم خانواده‌های مشهدی باعث شده است عقدشان را در حرم برگزار کنند: «البته معتقدم تا امام رضا(ع) نطلبید، جور نمی‌شود آدم اینجا بیاید.»

او که مدتی قبل از مراسم ازدواج خودش برای عقد دختر خاله‌اش به حرم آمده بود، از لحظه دعاها سر عقد با ذوق حرف می‌زند و می‌گوید: خیلی سفارش کردند دعا کنیم. من هم برای همه دعا می‌کردم؛ اول برای بقیه و آخر برای خودم. به ویژه برای کسانی که می‌دانستم گرفتاری دارند و قلبا دوستشان دارم. اعتقاد دارم اینجا دعا برآورده می‌شود.





## محللات منطقه‌ها

بالا خیابان، پایین خیابان

پاتوق معتادان در بوستان بخارایی با همراهی شهرآرامحله و کلانتری جمع می‌شود

# کمپ، فعلا تنها گزینه!

پیگیرانه



می‌خواهیم به محض مشاهده معتادانی که فضای عمومی و امنیت مردم را خدشه دار می‌کنند، به ما اطلاع دهند تا آن‌ها را به کمپ ترک اعتیاد منتقل کنیم. این کار هم در راستای بازگشت فرد معتاد به زندگی چاره‌ساز است و هم مدت طولانی‌تری آن‌ها را از محل دور نگه می‌دارد.

**● پیدا شدن دوباره معتادان**  
به دنبال چاپ گزارش هویدا شدن محل اختفای معتادان در شهرآرامحله ۲۴ اردیبهشت، تعدادی از اهالی به ما مراجعه کردند و از پیامدهای برهم زدن محل اختفای معتادان گفتند. عباس میرشاهی، از اهالی قدیمی بالا خیابان، به نمایندگی از جمعی از ساکنان گفت: از وقتی رفت و آمد مالکان خانه شروع شده است و وسایل کارتن خواب‌ها را بیرون ریخته‌اند، دوباره سروکله‌شان در پارک پیدا شده است. این افراد از علنی بودن وضع زندگی، اعتیاد و جرائمشان ابایی ندارند.  
همراه با اهالی به کلانتری شهیدآستانه پرست مراجعه کردیم تا موضوع را پیگیری کنیم. رئیس این کلانتری با اشراف به موضوع گفت: هر بار که این افراد را بازداشت می‌کنیم، بین دادگستری و خانه سبز در رفت و آمدند. چند روزی بازداشت هستند و چند روزی هم در خانه سبز میمانند. بعد دوباره برمی‌گردند به همین محل. سرهنگ مرتضی جعفری با شناختی که از بافت پیرامونی حرم دارد، ادامه داد: مردم در این محل‌ها بسیار همراه هستند. از آن‌ها

نجمه موسوی ایس از پیگیری‌های شهرآرامحله و چاپ گزارشی در ۲۲ آبان سال گذشته مبنی بر اینکه بوستان بخارایی در کوچه بختیاری‌ها به پاتوق کارتن خواب‌ها تبدیل شده است، از سوی کلانتری شهیدآستانه پرست به این جواب رسیدیم که «به دلیل بازدارنده نبودن مجازات برای معتادان متجاهری که در این فضای عمومی بیتوته می‌کنند، هر بار که آن‌ها را به مسئولان قضایی تحویل می‌دهیم، در فاصله چند روز دوباره آزاد شده و در همان محل قبلی دیده می‌شوند.» مدتی به دلیل سرما از آن‌ها خبری نبود و بعد از اینکه به همراه اهالی محل، پیگیر سرق‌های مکرر شدیم، محل اختفای آن‌ها را در خانه‌ای متروکه در همان کوچه پیدا کردیم.  
طبق قول رئیس اداره املاک و سرمایه‌گذاری شهرداری منطقه ثامن، بنا شد ورودی‌های خانه توسط مالک مسدود و دیوار نیمه‌فرو ریخته توسط شهرداری ترمیم شود. محمدرضا خاری قول داد که نخاله‌های اطراف بنانیز تخلیه شود تا معتادان هیچ راه ورود نداشته باشند.



## استمرار تجمعات مردمی در ۱۳ نقطه کانونی منطقه ثامن

### حوالی حرم، خالی نمی‌شود

موسوی ابرگزاری تجمعات شبانه در بافت پیرامونی حرم مطهر رضوی و حوزه شهرداری منطقه ثامن از اولین روزهای جنگ تحمیلی سوم همچنان پابرجاست. مردم در برخی نقاط بیش از هشتاد شب است که در خیابان‌ها حضور دارند و بعضی جاها نیز به مرور زمان به محل اجتماع مردم تبدیل شده است. ضرورت حضور مردم و تأکید بر استمرار ادای دین به پرچم مقدس کشورمان باعث شده است تاکنون سیزده نقطه در منطقه ثامن به عنوان کانون فعال اجتماعات مردمی شناخته شود که برخی از آن‌ها به صورت موردی از سوی یک مسجد یا پایگاه بسیج شکل گرفته و برخی به صورت تجمعی با همراهی چند مسجد و اهالی محله انسجام یافته است. این اتحاد باعث شده حضور شبانه مردم در بخش کاروان پیاده، کاروان خودرویی، برپایی موکب و طبخ‌نان و غذا استمرار یابد و همچنین کاروان‌های پیاده‌ای که در مسیر باغ‌ها و خیابان‌های منتهی به آستان حضرت رضا<sup>(ع)</sup>، هر شب با دست داشتن پرچم مقدس کشورمان و تصویر شهیدای جنگ تحمیلی سوم، راهی حرم مطهر رضوی می‌شوند و زائران و کسبه را با خود همراه می‌کنند، تصویر ویژه‌ای از منطقه ثامن ارائه کنند.



**● شاخص‌ترین تجمع منطقه مادر خیابان وحدت است که با محوریت مسجد امام هادی<sup>(ع)</sup> و مسجد حاج آخوند درد و نقطه کانونی این خیابان برگزار می‌شود. برنامه‌های مناسبتی مانند جشنواره ورزشی فرهنگی ویژه دهه کرامت شهرداری نیز در محل تجمعات خیابان وحدت برپا شد. اهالی پایین خیابان حتی بخشی از خیابان وحدت در منطقه ۵ را به کانون تجمعات مردمی تبدیل کرده‌اند و دو سمت خیابان را پوشش می‌دهند. در این اجتماع باشکوه، مردم انقلابی، برنامه‌های تشییع پیکر شهید، سخنرانی شهردار مشهد و حضور چهره‌های شاخص را هم شاهد بوده‌اند.**



**● در دو نقطه از بولوار طبرسی، مسجد حنظله و پایگاه امامزاده گنبد خشتی، از شب هفتم شهادت قائداست، مردم تجمعات خود را برپا کرده‌اند. در تقاطع شارستان و نواب نیز از شب چهارم شهادت رهبر انقلاب، تجمعی شکل گرفته است که توسط طلبه‌های مدرسه شهید برونسی، بسیج خواهران حریم رضوی و مسجد معجزدار اداره می‌شود. در حاشیه این تجمعات نزدیک به دو ماه است که پخت نان رایگان توسط خانواده‌ای خوزستانی انجام می‌شود و خیران بسیاری ترغیب به مشارکت شده‌اند.**



**● یکی از مکان‌های شاخص تجمع مردمی، مسجد صاحب‌الزمان<sup>(ع)</sup> است که از اولین شب جنگ با حضور گسترده مردم توانست چند نقطه در خیابان‌های هاتف، واعظ‌زاده (بیهقی) و چهارراه زربینه را پوشش دهد. سپس تجمیع نمازگزاران این مسجد با هیئتی‌های تکیه بزرگ علی اکبری‌های نوغان و مسجد امام صادق<sup>(ع)</sup>، اهالی محله بالا خیابان را با خود همراه و صحنه‌های باشکوه‌ای از حضور گسترده مردم را خلق کرد.**